

## بررسی مهارت دلالت به خیر در اخلاق دیگر پروری<sup>۱</sup>

بی بی زهرا حسینی<sup>۲</sup>

### چکیده

آنچه در این مقاله به آن آمده است؛ اخلاقِ تعلیم و تربیت است؛ اینکه چگونه رفتار و کنشی داشته باشیم که بهترین نتیجه را بگیریم؛ خود یک نوع مهارت است. در اینجا از آن به عنوان مهارت دلالت به خیر یاد شده است. در ابتدا به تبیین موضوع و بیان اهمیت آن اشاره شده است. سپس در فصل اول به اهداف «مهارت دلالت به خیر» پرداخته شده است. شکوفایی استعدادهای درونی، حیات بخشی، اصلاح جامعه اسلامی و دلالت بخیر هدف بعثت انبیاء و... تحت عنوان از اهداف این مهارت بیان گردیده. در فصل دوم به بیان سبک و روش‌های دلالت به خیر همچون شیوه مشفقانه و محبت‌آمیز، شیوه احساس تکلیف، شیوه ترغیب و تشویق و... ذکر گردیده است که با استفاده از آن روش‌ها می‌توان ارزش‌ها، اصول و مقررات اخلاقی را در مخاطبین خویش درونی و نهادینه کرد. و دلالت به خیر بدون استفاده از روش‌های امر و نهی یا تهدید با روشن اندازی و آگاهی بخشی و با استفاده از سرمایه فطری خویش در پی ترقی و سعادت می‌باشند.

**واژگان کلیدی:** دلالت، خیر، دلالت به خیر، راهنمایی.

### مقدمه

۱- تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۸/۳/۱۹ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۴/۲۷

۲- طلبه دکتری کلام اسلامی nahid\_000124@yahoo.com

زمانی انسان به پذیرش ارزش‌ها و مقررات اخلاقی تن می‌دهد، آنها را قلباً می‌پذیرد و در زندگی رعایت می‌کند که دلایلی را که در پس آنها نهفته است، را بداند و درک نماید. آنچه زمینه‌های یادگیری و پذیرش آگاهانه را فراهم می‌کند؛ در قدم اول می‌تواند عوامل از قبیل ترس از تنبیه یا جذب لذت و احساس خوشایندی باشد. گاهی نیز ترس از دست دادن موقعیت در جمع و گروه؛ یعنی بیشتر به خواسته‌های جامعه و اجتماع توجه نموده و دلیل رفتار و عمل شخص کسب یا حفظ موقعیت اجتماعی است. ولی عامل اصلی یادگیری و اطاعت از قوانین و مقررات، که باعث ماندگاری و تثبیت آن می‌شود؛ در واقع نه ترس از اقتدار فرد و یا گروه، نه احساس خوشایندی برای مقبولیت در جمع است؛ بلکه دست آوردن آگاهی و معرفت در موقعیت آزاد و دور از هرگونه تهدید و تطمعی در جمع کاملاً معنوی و همراه با احترام متقابل است؛ که به خودآگاهی شخص منجر می‌شود. و فرد خود آگاه آن رفتار را انتخاب می‌کند و به ارزش آن پی برده، ضرورت آن را درک کرده و به آن عمل مبادرت می‌ورزد. با به‌کارگیری شیوه دلالت بخیر فرد احساس می‌کند که باید با دیگران آن چنان رفتار کند که خود تمایل دارد با وی رفتار نمایند. با عقل و منطق، ارزش و ضرورت اجرای مقررات و اخلاقیات را درک می‌کند و این درک و یادگیری به‌طور طبیعی به عمل می‌پیوندد. چنانچه حضرت علی علیه السلام می‌فرماید: «انَّ قوماً عبدالله رغبتاً فتلك عبادة التجار انَّ قوماً عبدالله رهناً فتلك عبادة العبيد، و انَّ قوماً عبدالله شكراً فتلك عبادة الاحرار» گروهی خدا را به امید بخشش او عبادت می‌کنند، این عبادت تجار است. گروهی خدا را از ترس عذابش عبادت می‌کنند، این عبادت بردگان است. گروهی خدا را (از روی معرفت) شایسته ستایش و عبادت می‌دانند می‌پرستند و این عبادت آزادگان است. (نهج البلاغه، حکمت، ۲۳۷)

با اینچنین دیدگاه تربیتی، دلالت به خیر و آموزش فضایل اخلاقی تنها لفاظی ساده و یک طرفه نیست. دلالت و راهنمایی در موقعیت مناسب با رشد و شناخت مراحل تحول روانی و ذهنی کودک، در فضای آکنده از احترام متقابل به کودک و مخاطب با تکیه بر احساس ارزشمندی

شخصیت خود به درک عمیق ریشه‌دار و پایدار می‌رسد و در عمل، منجر به رشد و پرورش اخلاقی و تبلور شخصیت انسانی کودک می‌گردد.

### ۱-۱- مفاهیم و تعاریف

خیر در لغت و اصطلاح: در فرهنگنامه معین خیر به معنای نیکی، مصلحت، سود، فایده، رفاه، آسایش، نعمت، ثروت بیان شده است. (معین، ۱۳۶۸: ۱۲۸)

خیر در اصطلاح به چیزی گفته می‌شود که تمام مردم آن را دوست دارند مانند عقل، عدل، فضل و... این واژه به دو صورت بیان می‌شود یکی خیر مطلق یعنی چیزی که در تمام حالات مطلوب و خوب است و دیگری خیر نسبی که در مقابل شر قرار دارد. می‌توان گفت خیر هر آنچه را باعث پیشرفت، ترقی و سعادت دنیوی و تکامل معنوی می‌گردد را شامل می‌شود. (طباطبایی، ۱۳۶۳: ج ۲ / ۱۳۸)

دلالت در لغت و اصطلاح: دلالت به معنای راهنمای، هدایت و راهبری، است. هنگامی که می‌گوییم: "الف ما را به ب دلالت می‌کند"، یعنی اینکه الف به گونه‌ای است که وقتی به آن توجه می‌کنیم، ما را به سمت ب راهنمایی کرده و متوجه ب می‌شویم. (مطهری، ۱۳۶۴: ۵۴)

در اصطلاح دلالت یعنی اینکه چیزی ذهن ما را به چیز دیگر رهنمون کند. یا از علم به یک چیز، علم به چیز دیگر حاصل آید. آنچه موجب علم به چیز دیگر می‌شود دال و آنچه به سبب دال به آن آگاهی می‌یابیم، مدلول نامیده می‌شود. در نتیجه می‌توان گفت تا حدودی دلالت همان هدایت و راهنمایی در زمینه‌هایی مختلف دیگران است. (مطهری، ۱۳۶۴: ۵۶)

دلالت به خیر: دلالت به خیر یعنی بازکردن چشم دیگری و آشنا نمودن به وجوه مثبت و منفی عمل او است. به تعبیر دیگر ارائه طریق صحیح به مخاطب است. در مهارت دلالت به خیر بیشتر تأکید بر این است که کار اصلی و اساسی والدین و معلمان آگاهی بخشی است نه امر و نهی صرف که از موضع برتر و بالاتر سخن گفتن است. در امر و نهی

یک نوع تحمیل کردن نظر و دیدگاه خویش بر دیگران می‌باشد و جنبهٔ تحکمی دارد. (ملکیان، ۱۳۹۷: ۵۲)

در سبک سنتی تعلیم و تربیت والدین از روش دستور دادن و امر و نهی به فرزندان استفاده می‌کنند. به نحوی که دستوراتی را از سوی والدین امر می‌کند و همه اعضای موظف به پیروی از آن می‌شدند. اما روش صحیحی که امروزه بیشتر مورد تأیید است این است که والدین و مسئولین تعلیم و تربیت باید دقت داشته باشند که دستوردادن بدون مشورت و توجه به نظر و اندیشهٔ دیگران، روش مناسب برای برانگیزاندن افراد و گرفتن بهترین واکنش و عملکرد از آنها نیست. ژنرال گیل پولاک می‌گوید: «اگر به افراد دستور دهید تا کاری را انجام دهند به دلیل که آن را درک نمی‌کنند و همهٔ توان خود را برای انجام آن به کار نمی‌گیرند، بهترین عملکردها و شجاعت‌ها زمانی بروز می‌یابد که دلیل اهمیت کار را برایشان توضیح دهید».

## ۲-۱- نقش و اهمیت دلالت به خیر

انسان موجودی خردمند، متکامل، الگوپذیر، دنبال کننده راه و مسیر ترقی و تعالی و دارای قوه یادگیری است. جهت بر بهره‌گیری از عقل و پیامبر باطنی خود، و استفاده از عقل و خرد دیگران، به‌طور آشکار نیازمند به دلالت، راهنمایی و تعالیم رسولان و پیامبران می‌باشد، تا به وسیله آنها (عقل پیامبردرونی و انبیاء حجت بیرونی) در مسیر سعادت، رشد و تعالی (خیر)؛ قرار گرفته و با مساعدت آنها راه رشد، ترقی و استواری را تداوم بخشد. دلالت به خیر که یک نوع روشن اندازی و آگاهی بخشی است؛ و اهمیت آن از این جهت است مخاطب را به فطرت خداجو و خداشناسش بازمی‌گرداند. یعنی به نحوی متوجه سرمایه‌های الهی که در وجود و درون خودش فرد است، می‌کند. به این طریق یقظه و بیداری که حاصل می‌شود، می‌تواند بهترین عامل محرک برای جستجوی معرفت و کسب سعادت باشد.

## ۲-اهداف دلالت به خیر

واضح است که هر رفتار و عملی که یک فرد عاقل انجام می‌دهد بدون غایت و هدف عقلایی نیست و «دلالت» که وسیله‌ای در قلمرو رشد و تعالی انسان‌هاست مسلماً بدون هدف و مقصود نبوده و تصور آن بدون مقصود بسیار بعید است. لازم است در اینجا به بعضی از اهداف «دلالت بخیر» اشاره می‌شود.

### ۲-۱- شکوفایی استعداد های درونی

خلاقیت یکی از موهبت‌های بزرگ خداوند و زیربنای اساسی یادگیری در انسان است. آنچه کودک با خلاقیت خود کشف می‌کند برای او با ارزش و ماندگار می‌شود. و آنچه به او تحمیل می‌شود نه تنها زود زایل می‌شود بلکه ارزش زیادی هم ندارد.

متصدیان تعلیم و تربیت زمانی که همراه با مهر و عطوفت علم و دانش و یا ارزش‌های اخلاقی را می‌آموزند استعدادهای نهفته را در آنها شکوفا می‌کنند. و برعکس رفتاری خشن و خشک که با زور و امر و نهی یا تهدید و ارباب باشد استعدادهای را کور می‌کند «فان القلب اذا اکره عمی» (نهج البلاغه، حکمت، ۱۹۳)

انسان‌ها با همه تفاوت‌ها و ویژگی‌های مختلف فردی که دارند دارای مشترکاتی نیز هستند که از عمق فطرت آنها سرچشمه می‌گیرند. لازم است این نیازها به دقت مورد مطالعه و بررسی قرار بگیرند. از جمله نیازهای فطری انسان‌ها نیاز به محبت، توجه و عزت‌نفس یا خود ارزشمندی است که در صورت برآورده شدن این نیاز احساس مسرت از توانایی‌ها و در نتیجه احساس لیاقت در انسان به وجود می‌آید. بدین ترتیب زمینه شکوفایی استعدادها و رشد شخصیت حاصل می‌شود.

### ۲-۱- حیات بخشی

یکی از رسالت‌ها و اهداف مهم تعلیم و تربیت زنده کردن و تقویت روحیه انسانیت و حیات معنوی است. خداوند در قرآن کریم از راهنمای و دلالت انسان‌ها با تعبیر «احیاء» یاد نموده است. یعنی هدایت و راهنمایی بشر به منزله حیات بخشیدن به او و زنده نمودن است، آنجا

که فرموده‌اند: «وَمَنْ أَحْيَاهَا فَكَأَنَّمَا أَحْيَا النَّاسَ جَمِيعاً»؛ «و هرکس، انسانی را حیات ببخشد چنان است که گویا همه مردم را زنده و حیات بخشیده است» (مأثده: ۳۲)

هنگامی که از امام صادق علیه السلام در مورد معنا و مفهوم این آیه سؤال کردند، حضرت فرمودند: «یعنی این که هرکسی که انسانی را از گمراهی و انحراف به سوی خیر و سعادت و مسیر درست راهنمایی کند گویی او را زنده کرده و حیات بخشیده است و برعکس هرکسی که انسانی را به سوی انحراف بکشانند گویی او را کشته است» (محمدی ری شهری، بی تا: ۵۸۰) بنابراین مهم‌ترین پیامد و نتیجه دلالت و هدایت دیگران، توجه دادن به حیات معنوی و زندگی سالم اوست.

## ۲-۲- اصلاح جامعه اسلامی

یکی دیگر از اهداف «دلالت بخیر» اصلاح فرد بوده که متعاقب آن اصلاح و رستگاری جامعه فراهم می‌شود، زیرا هدایت و ارتقاء دانش و بینش در پرتو تعلیم و تربیت صحیح فرد و فلاح جامعه است؛ که می‌تواند سعادت جهانی انسان‌ها را به ارمغان داشته باشد. و علی علیه السلام فرمودند: «عَلْمٌ لَا يَصْلِحُكَ ضَلَالٌ» علم و دانش و تعلیمی که تو را اصلاح نکند، گمراهی است. بنابراین، دانش، لازمه هدایت است و هدایت به منظور اصلاح و رشد و تعالی و تأمین سعادت است. (مجلسی، ۱۴۰۴ق: ج ۲/ ۱۹)

## ۲-۳- دلالت به خیر هدف بعثت انبیا

خداوند پیامبران را برای ابلاغ وحی و هدایت انسان‌ها فرستاده است تا از خواب غفلت او را بیدار نموده و با حقیقت آشنا نماید. وظیفه اصلی پیامبران رساندن پیام الهی به انسان‌هاست. چنانچه که خداوند در قرآن می‌فرماید: «وَمَا عَلَيْنَا إِلَّا الْبَلَاغُ الْمُبِينُ» (یس: ۱۷) یعنی هدف اصلی بیدار کردن و آگاهی بخشی می‌باشد. بعد از دریافت پیام الهی انسان مختارانه می‌تواند راه سعادت و یا ضلالت را در پیش گیرد «اما شاکراً و اواما کفوراً». (انسان: ۳) چنانچه انسان پیام حق را دریافت کرده و با رسول مبین همراه شود، سعادت‌مند خواهد شد و در صورتی که بعد از کسب آگاهی از پیام الهی مخالفت ورزید درجاده ضلالت سقوط خواهد کرد.

## ۵-۲- کسب پاداش عظیم

دلالت بخیر نه تنها عامل رشد و ترقی مخاطبین بلکه علاوه بر ایجاد تنبه برای خود دلالت کننده، باعث رسیدن متصدیان تعلیم و تربیت به پاداش و ثواب فراوان و تحصیل رضایت خداوند است. هنگامی که پیامبر ﷺ حضرت علی علیه السلام را به یمن جهت تبلیغ اسلام و هدایت مردم، فرستادند به ایشان فرمودند: «یا علی لا تُقَاتِلَنَّ أَحَدًا حَتَّى تَدْعُوهُ، وَ أَيْمُ اللَّهِ لَإِنْ يَهْدِيَ اللَّهُ عَلَى يَدَيْكَ رَجُلًا خَيْرٌ لَكَ مِمَّا طَلَعَتْ عَلَيْهِ الشَّمْسُ وَ غَرَبَتْ وَ لَكَ وَ لَأُوهُ» ای علی هرگز با احدی جنگ نکن مگر اینکه قبلاً او را به مسیر حق دلالت کرده باشید و به خدا سوگند اگر خداوند به وسیله تو و با دست تو انسانی را «هدایت» کند برای تو (پاداش و ثواب) بهتر است از آنچه که آفتاب بر آن طلوع و غروب می‌کند و (پاداش) تو بر او (انسان هدایت شده) برای همیشه ولایت دارید. (محمدی ری شهری، بی تا: ۵۸۱).

از مجموع آنچه که در خصوص اهداف دلالت بخیر می‌توان دریافت این است که دلالت بخیر عامل شکوفایی استعدادها و حیات بخشی افراد که باصلاح افراد زمینه اصلاح جامعه فراهم گردیده و نیز اهداف انبیاء محقق می‌گردد. باعث رستگاری خود متصدیان نیز خواهد شد.

## ۳- روش های دلالت بخیر

یکی از مسائل مهم در تعلیم و تربیت اسلامی، روش‌های به کارگیری تعلیم و تربیتی است؛ در تعریف روش می‌توان گفت «روش»، راه و طریقه‌ای است که میان اصل و هدف امتداد داشته باشد و عمل تربیتی را منظم کرده تا به هدف برساند. (هوشیار، ۱۳۳۵: ۱۸)؛ به عبارت دیگر روش‌های تربیتی، وظایف عملی فردی را که تحت تربیت قرار می‌گیرد، مشخص نموده و به مربی کمک می‌نماید تا مناسبترین شیوه را به اجرا بگذارد. (احمدی، ۱۳۸۷: ۱۴۹)

درجهان کنونی، رفتار انسان و زندگی اخلاقی بشر با بحران‌های گوناگون مواجه شده است که معلول رفتارهای ناصوابِ خلاف فطرت بوده و از سوی دیگر محصول بی‌توجهی افراد به وظایف فطری خویش

نسبت به تربیت و هدایت دیگران است. (بسیج، ۱۳۸۹: ۲۲). راه گریز از این بحران‌ها، روی آوردن عمیق و آگاهانه به روش‌های تربیتی اسلام و قرآن است که سعادت دنیا و آخرت انسان را تأمین می‌کند. از جمله این روش‌ها، می‌توان به "مهارت دلالت بخیر" اشاره نمود که روش اصلاحی و آگاهی‌بخشی برای زندگی فردی و اجتماعی است؛ بدین معنا که جامعه را به مسیر درست هدایت می‌کند تا در راه رسیدن به اهداف آرمانی و انسانی، دچار انحراف نشود. به عبارت دیگر، می‌توان گفت: دلالت بخیر، سیستمی هشداردهنده و بیدارکننده‌ای است که همیشه انسان را از لغزش و خطا برحذر می‌دارد و راه را از بیراهه متمایز می‌سازد؛ در کنار عقل و پیامبر باطنی، راهنمای ودلالت متصدیان تعلیم و تربیت لازم است. البته قابل توجه است که استفاده از این شیوه و عمل می‌تواند به روش‌های گوناگون و به اقتضای وضعیت جوامع و به تناسب معروف و منکر، اعمال شود و در صورت پیوند یافتن با فرهنگ عمومی، اثرات محسوسی را از خود برجای بگذارد. (شرف‌الدین، ۱۳۸۸: ۶۳) در اینجا به برخی از روش‌های راهنمایی و دلالت به سعادت که باعث شکوفایی استعداد‌های نهفته می‌شود و زمینه ترقی و تعالی مخاطبین را فراهم می‌کند؛ را بیان می‌کنیم.

### ۱-۳- شیوه مشفقانه و محبت آمیز

محبت و تأثیرگذاری آن، از اعجاب‌انگیزترین امور در عالم است که بر آدمیان تأثیر گذاشته و ناخودآگاه آنان را به خود جذب می‌نماید و محبت قلبی به چیزی تعلق می‌گیرد که دارای خیر و خوبی باشد. (فلاح رفیع، ۱۳۹۱: ۴۲). این شیوه دلالت بخیر، سیره مستمر پیامبر ﷺ و ائمه معصومین علیهم‌السلام بوده است؛ آنان با این روش، مردم را به دین خدا جذب و دل‌ها را به سوی حقایق و هدایت‌های دینی خویش متوجه کرده و قلب‌های سخت را نرم و منعطف می‌ساختند و انسان را به جوهره وجودی خودش که عبودیت حق است، واقف می‌ساختند تا در دشوارترین اوضاع بر مصائب و منکرات فائق آیند. مورد استقبال قرار گرفتن شیوه مهرورزی و شفقت به این سبب است که مخاطب، دلسوزی



والدین و مربی یا معلم را بر اثر محبت‌های مشاهده شده به خوبی احساس و درک می‌کند و رابطه‌ای سرشار از عطف و با مربی خویش برقرار می‌سازد. (اسماعیلی یزدی، ۱۳۸۵: ۱۳۹) امام خمینی نیز در باب اهمیت این روش می‌فرماید: «به همه محبت کنید؛ با محبت می‌شود منحرف‌ها را مستقیم کرد» (خمینی، ۱۳۷۸: ج ۸ / ۳۳۱)

تمایل به تعاون به صورت همفکری و هم‌یاری، در محیطی گرم و صمیمی پیوند می‌خورد، با مقررات آشنا شده و با آن زندگی می‌کند. روحیه تعاون و کوشش‌های دسته جمعی در گروه، تنها در سایه محبت و ارتباطی سالم و با هدایت مربی صورت می‌گیرد و قدرت ابتکار و خلاقیت را در حل مسائل برای تک تک افراد در ارتباط با خود و دیگران پدید می‌آورد.

### ۲-۳- شیوه احساس تکلیف

آموزش مفاهیم و دانستن، یک چیز است و پذیرش و عمل کردن به آن چیز دیگر. لذا دلالت بخیر و آموزش اخلاقی کودکان اگر درست و صحیح انجام پذیرد؛ تنها نصف کارانجام شده و نصف دیگر، درک صحیح و کاربرد عملی آن است. مهم این است زمینه‌ای فراهم گردد که کودکان از مقلد بودن صرف و مطیع چشم و گوش بسته خارج شوند و با شرکت دادن آنان در بحث‌های جمعی و گروهی، چه از نظر ذهنی، عقلی و چه از نظر عملی، با مسائل و مشکلات درگیر شوند؛ و درجوی آزاد، محبت آمیز، با حفظ شخصیت یکدیگر، در ارتباط متقابل و تبادل افکار، در بحث و گفتگو، خود به احساس ارزشمندی برسند و عملاً به تفکر و تعقل و داشته شوند و در مباحثه‌ها و مناظره‌ها با راهنمایی و دلالت والدین و معلمان عملاً ضرورت اجرای قوانین و مقررات انضباطی را درک کرده و آن را درونی سازند.

احساس تکلیف، هر فردی را قادر به انجام تکالیف دشوار توانا می‌سازد و وی را برای مسلط شدن به امواج خفیف درونی‌اش قدرتمند می‌سازد. استفاده از شیوه حاضر، محدود به کسانی است که ایمان به

دل آنان راه یافته باشد؛ به عبارت دیگر مقصود این روش، پدید آوردن جنبشی است که حاصل آن برانگیختگی عمیق درونی مخاطب بوده و امکان ایستادگی در برابر فشارها و مقتضیات محیطی را برای وی فراهم می‌آورد. (باقری، ۱۳۹۰: ۱۵۵-۱۵۳).

والدین و معلمان می‌توانند با فراهم آوردن زمینه‌های مناسب دلالت بخیر، در بحث‌های گروهی، بنا به اقتضای هر موقعیتی زمینه را طوری فراهم کنند که خود آنان به کشف و درک استدلال‌های آن مجهز شوند. در این صورت خود به ساختن خویش، رشد منش اخلاقی، پیشرفت و تعالی خویش نقش پیدا می‌کنند.

احترام به قانون، مقررات و هرگونه قواعد و اصول اخلاقی، مستلزم پیدایش روح انضباط و احساس مسئولیت است. با درک اینکه تنها در سایه رعایت آنهاست که می‌توان، به ارزشمندی و احساس خوشایندی نائل آمد. این در حالی است که اگر در محیطی به دور از هرگونه اجبار و تحمیل بوده و در تعامل و تقابل گروهی با احترام متقابل به مبادله، اطلاعات و احساسات پردازند، به طوری که کودکان در کنار بزرگسالان احساس کنند که توانایی درک و فهم مسائل را دارند به این طریق در عمل به آن مبادرت ورزند؛ تأثیر و تأثیرات از طریق گروه هم سال با هدایت مربی، کارایی فوق‌العاده و چشمگیری خواهند داشت. (فرهادیان، ۱۳۷۷: ۲۳۶)

### ۳-۳- شیوه ترغیب و تشویق

تشویق «در لغت به معنای آرزومند کردن، به شوق افکندن و راغب ساختن و در اصطلاح عبارت است از استفاده از امور مطلوب و مورد درخواست فرد، پس از انجام عمل است که برای افزایش یا تثبیت عمل در فرد صورت می‌گیرد؛ (شریفی، ۱۳۸۹: ۹۳). تشویق و ارزش‌گذاری والدین در بحث‌های گروهی و خانوادگی و دادن مسئولیت به فرزندان در موقعیت‌های گوناگون، عامل پرقدرتی جهت کسب ارزش‌های اخلاقی و شخصیت‌دهی به آنان می‌باشد. (فرهادیان، ۱۳۷۷: ۲۳۶)

والدین و مربیان معمولاً می‌کوشند نکات و مسائل اخلاقی را در فرصتی کوتاه از طریق گفتاری مستقیم و با پند و اندرز و به صورت تذکرات مکرر، به کودکان منتقل و تحمیل کنند، غافل از اینکه این کودکان هستند که خود باید شخصاً این رفتار را دارا شوند، دلایل آن را بپذیرند و با رغبت آن را در صحنه عمل به کار گیرند، نه اینکه قواعد را ما به آنها دیکته کرده و به اجبار بقبولانیم. خطابه‌های یک جانبه چیزی را به کودک نمی‌آموزد، حتی اگر با منطق و استدلال همراه باشد. چون جنبه تحمیلی دارد و عامل آن اقتدار و فشار بیرون است. لذا با تغییر شرایط و گذشت زمان، رفتار کودکان به حالت اول برمی‌گردد. تنبیه و یا تشویق در چنین شرایطی، که مقررات به صورت اجباری و با فشار به آنان تحمیل می‌گردد، خیلی کارساز نمی‌تواند باشد، زیرا فرد خود شخصاً در سازمان‌دهی ذهنی و روانی خویش دخالتی نداشته و به صورتی فعال در کشف و شناخت قضایا به دلیل و استدلال مجهز نگردیده است. لذا کودک تا زمانی محدود و مشخص تحت سلطه و اقتدار خارج است، در صورت تغییر موقعیت و تغییر رفتار خواهد داد. (فرهادیان، ۱۳۷۷: ۲۳۷)

#### ۴-۳- شیوه تکریم و احترام

آنچه موجب عکس‌العمل‌های نسنجیده و برخوردهای لحظه‌ای کودکان می‌گردد همان صدمه دیدن شخصیت و رنجیدگی عاطفی است. برخوردهای شدید و توهین‌آمیز والدین یا مربی سبب می‌شود کودک به جای تفکر درباره رفتارش به موضع‌گیری دفاعی کشانیده شود و در این هنگام، دیگر مجال برای منطقی فکر کردن او باقی نماند. (فرهادیان، ۱۳۷۷: ۲۳۹) در اجرای مقررات و ارزش‌ها خود کودکان مهمترین عامل بوده و مهمترین نقش را دارند والدین و معلمان در موقعیت‌های مناسب، تنها زمینه‌ساز و هدایتگر هستند. در گذشته برداشت عمومی این بود که همه چیز را باید با فشار تنبیه و تهدید به کودکان تحمیل کرد.

### ۵-۳- فرصت دادن به مخاطب

لازمهٔ ایجاد فضایی برای اندیشیدن کودک، سعه صدر و سکوت متصدیان تعلیم و تربیت است. باید کودکان را با نتیجهٔ رفتارشان تنها گذاشت؛ چراکه عکس‌العمل‌های آنی، فرصت تصمیم‌گیری در مورد رفتار و نتیجه‌گیری منطقی را از آنها سلب می‌کند و سبب می‌شود رفتارشان، عکس‌العمل و بازتابی از رفتار ما شود که تفکر و تصمیم‌گیری خود شخصیشان در آن نقشی نداشته باشد. عامل بیرونی تربیت محرک بسیار مهمی است. برخلاف نتیجه‌گیری منطقی که عامل درونی است، یعنی اراده و شخصیت خود افراد است که به نتیجه و گزینش رفتار منجر می‌شود. (فرهادیان، ۱۳۷۷: ۲۳۹)

### ۶-۳- مواجه کردن با معما و سوال

طریق دیگر رسانیدن افراد به درک ارزش‌های اخلاقی و ضرورت استدلال و مجهز شدن به منطق و دلالت بخیر، همان طرح سؤال ابراهیم گونه است. طرح سؤال زمینه‌هایی فراهم می‌سازد که کودک و نوجوان به تفکر و اندیشه واداشته شود؛ زیرا پیدا کردن دلیل برای اثبات بیان خود، در واقع وسیله‌ای برای اثبات شخصیت خویش است و اگر والدین و معلمین بحث را صحیح رهبری نمایند، هریک از مخاطبین به احساس ارزشمندی می‌رسند. در حقیقت شخصیت خود را در رعایت و عمل به این ارزشها به اثبات خواهند رسانید. (فرهادیان، ۱۳۷۷: ۲۴۱)

حضرت علی علیه السلام می‌فرماید: «مَنْ لَمْ يَعْرِفْ مَضْرَةَ الشَّرِّ لَمْ يَقْدِرْ عَلَى الْاِمْتِنَاعِ مِنْهُ، مَنْ لَمْ يَعْرِفْ مَنْفَعَةَ الْخَيْرِ لَمْ يَقْدِرْ عَلَى عَمَلِ بِهِ» کسی که زیان شر و بدی کاری را نشناسد نمی‌تواند از آن کار خودداری کند، کسی که آگاه به سودمندی کار خیری نباشد نمی‌تواند به آن عمل کند. (تمیمی آمدی، بی‌تا: ۹۰۰۸، ۹۰۰۹) دادن فرصت بحث، استدلال و سؤال از آنان که نظر شما در این باره چیست؟ و شما چگونه فکر می‌کنید؟ اگر شما در این موقعیت قرار بگیرید چه کاری را انجام می‌دهید؟ زمینهٔ نظم‌بخشی بنای فکری کودکان را در درک اصول و قوانین اخلاقی فراهم می‌سازد.

باطرح سؤال‌های اکتشافی، کودک به تفکر و تفسیر و تحلیل حوادث و قضایای مورد بحث ترغیب می‌شود و این امر در سازماندهی ذهنی و درون سازی فکری او نقش بسزایی دارد. از این طریق او با موقعیت‌هایی آشنا می‌شود که به‌طور عینی و تجربی می‌تواند موقعیت و احساسات دیگران را به خوبی درک و لمس کند و خود ضرورتاً به راه‌حل‌ها بیندیشد و به شناخت و ضرورت اجرای مقررات و رعایت ارزش‌ها برسد. (فرهادیان، ۱۳۷۷: ۲۴۲)

### ۷-۳- شیوه ارائه الگوی

این روش از مؤثرترین شیوه‌های دلالت به خیر و خوبی‌ها دعوت عملی می‌باشد که از دعوت زبانی بسیار نتیجه بخش‌تر است؛ زیرا عطر دل‌انگیز عمل از فرسنگ‌ها راه، مشام مشتاقان را سرمست می‌کند و باران بهاری آن، کویر تشنه جان آدمیان را سیراب می‌سازد و بوستانی از ریاحین جان‌افزا و گل‌های شورانگیز می‌رویاند. (رفیع، ۱۳۹۱: ۴۰). به‌عبارت دیگر، فاقد شی، نمی‌تواند معطی شی باشد؛ یعنی اینکه کسی که چیزی را نداشته باشد، نمی‌تواند به دیگران انتقال دهد؛ پس راهنماکننده خود باید به آنچه مخاطب را تربیت می‌کند، مهذب باشد تا بتواند دا دیگران را تهذیب نماید (رشیدپور، ۱۳۹۰: ۵۶). از دیدگاه امام خمینی نیز کسی که متصدی امر تعلیم و تربیت می‌شود باید فردی وارسته، صالح و عالم باشد و پیش از اصلاح دیگران، به اصلاح خود همت گماشته باشد و قبل از توصیه به دیگران، در عمل به اسلام پیش‌دستی نماید. (خمینی، ۱۳۷۸: ۱۰)

### ۸-۳- تقویت عزت نفس و کرامت انسانی

برای اینکه ارزش‌های اخلاقی منجر به تحول در رفتار کودکان بشود، هیچ موقعیتی مؤثرتر و کارسازتر از فراهم نمودن فضای دوستی، ایجاد جو معنوی و احترام‌آمیز معلمان و والدین یا اعضای گروه در مورد یکدیگر نیست؛ عزت نفس نیاز فطری انسان است و اصولاً همه تلاش‌ها و

حرکت‌های انسان در زندگی برای رسیدن به رفع نیازهای فطری و طبیعی انجام می‌پذیرد و یکی از نیازهای اصیل و مهم انسان، باز یافتن کرامت و عزت نفس است که در این گونه فضاها در سایه تلاش برای رعایت مقررات و ارزش‌های اخلاقی تحقق خواهد یافت.

این امر چون با روش آزادمنشانه در محیطی آرام، بدون احساس اجبار و فشار به‌طور خودآگاهانه صورت می‌گیرد، می‌تواند موجب رفتاری پایدار و ماندنی‌تری شود و گذشت زمان و تغییر اوضاع و محیط تأثیری در آن نخواهد گذاشت.

انسان به‌طور فطری به دنبال کسب عزت نفس و کرامت ذاتی خویش می‌باشد، یعنی شرافت و ارزش را در نفس خود احساس می‌کند که به وسیله آن از پستی‌ها گریزان است. عزت نفس همان احساس کرامت و بزرگواری می‌باشد. انسان کریم کسی است که عزت نفس دارد. عزیز به معنای نفوذ ناپذیر است. انسان عزتمند اجازه نمی‌دهد که پستی‌ها در شخصیت او نفوذ کند. شخصی می‌تواند شایستگی خلیفه الهی را داشته باشد که عزت و بزرگواری، فتوت و جوانمردی در او به بالاترین درجه تجلی یابد. (فرهادیان، ۱۳۷۷: ۳۲۶)

انسان موجودی مرکب است. یعنی دارای طبیعت حیوانی و فطرت الهی می‌باشد. آیه شریفه "نفخت فیه من روحی" (ص: ۷۲) گویای آن است که انسان روح شرافت و عزت در وجودش نهفته است و هرگز حاضر نیست تن به خفت و خاری بدهد و درحقیقت در درون انسان دو میل وجود دارد یکی کشش‌های نفسانی که ریشه در طبیعت انسان دارد و دیگر گرایش‌های معنوی که ریشه در فطرت خدا جوی انسان دارد. (فرهادیان، ۱۳۷۷: ۳۲۹)

بزرگترین رسالت انبیاء و ائمه معصومین علیهم‌السلام در تربیت انسان پرورش شخصیت آزاده و متعالی و متعبد با روش با آزاده منشانه بوده است. در این راه به تزکیه نفس سفارش کرده‌اند. "قد افلح من زکیها" (شمس: ۹) تزکیه نفس یعنی صیقل دادن شخصیت و پاک کردن نفس از غبار هوی و هوس و بردگی غیر. به عبارتی رسیدن به حریت و داشتن روحیه آزادگی

و برخورداری از شخصیت والا و کریم است. (فرهادیان، ۱۳۷۷: ۳۳۰)

#### ۴- شرایط و خصوصیات دلالت کننده

باتوجه به اینکه والدین و معلمان باروح و روان کودک سروکار دارد و به امر مقدس پرورش انسان و انسان‌سازی می‌پردازد و آثار گسترده‌ای را به دنبال دارد، ضروری است کسانی که به اجرای این امر عظیم اقدام می‌کنند، دارای ویژگی‌های ارزنده‌ای باشند تا سخن آنان در مخاطبان تأثیرگذار باشد و زمینه هدایتشان را فراهم نماید. در روایات اسلامی ویژگی‌ها و صفات متعددی برای این افراد ذکر شده است که به اختصار به برخی از آنها اشاره می‌شود: ۱. شناخت نسبت به معروف‌ها و منکرها؛ ۲. پایبندی به ارزش‌ها؛ ۳. اجتناب از برداشته‌های شخصی؛ ۴. صبر و بردباری؛ ۵. آگاه و بصیر بودن نسبت به نیرنگ‌های نفسانی و حیل‌های شیطانی؛ ۶. گذشت و برخورد کریمانه؛ ۷. در نظر گرفتن خشنودی و ثواب الهی؛ ۸. بینش نسبت به عیب‌های خویش؛ ۹. پرهیز از خودپسندی و عجب و ۱۰. قدردانی از پذیرش مخاطبان (مرکز تحقیقات اسلامی سپاه، ۱۳۷۲: ۵۵-۵۰) ۱۱. در نهایت اینکه خود اهل عمل باشد. چراکه فاقدشی نمی‌تواند معطی شی باشد.

#### نتیجه

دلالت به خیر مهارتی است، ابراهیم‌گونه که از طریق عملیات عینی و حرکات ملموس، اذهان انسان‌ها را هدایت کرده و در عمل آنان را به پوچی باورها و عقایدشان رهنمود ساخت. «فرجعوالی انفسهم» به (حقیقت) خود بازگشتند. (انبیاء: ۶۴) اهداف که این مهارت دنبال می‌کند. آگاهی بخشی که رسالت انبیاء است و شکوفایی سرمایه‌های فطری و بالفعل نمودن آن و اصلاح افراد که اصلاح جامعه را در پی دارد. در این مهارت دلالت کننده با مجهزشدن به صفات الهی از روش‌های مهرورزی و تشویق و تقویت کرامت و عزت نفس و با طرح سؤال و درگیر کردن مخاطب باهدف زندگی مسیرتعالی و ترقی را به وی می‌آموزد.

فهرست منابع

• قرآن کریم.

• نهج البلاغه.

۱. احمدی، احمد، (۱۳۸۷)، اصول و روش‌های تربیت در اسلام، چ ۶، اصفهان: دانشگاه اصفهان.

۲. احسانی، محمد، (۱۳۸۸)، تربیت دینی خانواده، معرفت، شماره ۱۸، قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.

۳. اسماعیلی‌یزدی، عباس، (۱۳۸۵)، فرهنگ تربیت؛ چ ۲، قم: مسجد مقدس جمکران.

۴. افخمی اردکانی، محمدعلی، (۱۳۸۶)، تبیین روش‌های تربیت اجتماعی در نهج البلاغه، فصلنامه نهج البلاغه؛ شماره ۲۱-۲۲، تهران: بنیاد نهج البلاغه.

۵. اشتهااردی، عبدوس، (۱۳۷۲)، فرازهایی برجسته از سیره امامان شیعه، قم: تبلیغات اسلامی.

۶. الهامی‌نیا، علی‌اصغر، (۱۳۸۶)، سیره اخلاقی - تربیتی امام خمینی، چ ۶، قم: زمزم هدایت.

۷. باقری، خسرو، (۱۳۹۰)، نگاهی دوباره به تربیت اسلامی، چ ۲۶، تهران: مدرسه.

۸. بسیج، احمدرضا، امر به معروف و نهی از منکر و حقوق شهروندی،

۹. مطهری، مرتضی، (۱۳۷۴)، آشنایی با علوم اسلامی، صدرا.

۱۰. طباطبایی، محمدحسین، (۱۳۶۳)، تفسیرالمیزان، بنیاد علمی و فکری علامه طباطبایی.

۱۱. حجتی، محمدباقر، (۱۳۸۶)، اسلام و تعلیم و تربیت، چ ۱۴، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.

۱۲. فرعادیان، رضا، (۱۳۷۷)، والدین و معلمان مسئول، دفتر تبلیغات اسلامی قم.

۱۳. حسین‌زاده، علی، (۱۳۸۸)، همسران سازگار، راه‌های سازگاری، چ ۷، قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی

۱۴. یوسفیان، نعمت ا...، (۱۳۸۶)، تربیت دینی، قم: زمزم هدایت.



۱۵. حلی، جعفر بن حسن، (۱۴۰۸ق)، شرایع الاسلام فی مسائل الحلال و الحرام، به کوشش سیدصادق شیرازی، تهران: استقلال.
۱۶. خراسانی، علی، (۱۳۸۹)، پرسمان قرآنی امر به معروف و نهی از منکر، چ ۲، قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
۱۷. خسروی زادنبه، مهدیه، (۱۳۸۶)، شیوه‌های امر به معروف و نهی از منکر در سیره معصومین، پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد، قم: دانشگاه قم.
۱۸. دیلمی، احمد و مسعود آذربایجانی، (۱۳۸۷)، اخلاق اسلامی، چ ۵۳، قم: دفتر نشر معارف.
۱۹. راغب اصفهانی، حسین، (۱۴۱۶ق)، مفردات الفاظ قرآن، بیروت.
۲۰. رشیدپور، مجید، (۱۳۹۰)، آشنایی با تعلیم و تربیت اسلامی با تأکید بر روش‌ها، تهران: انجمن اولیا و مربیان.
۲۱. رکنی، محمدمهدی، (۱۳۷۵)، لطایفی از قرآن کریم (برگزیده از کشف‌الاسرار و عده‌الابرار)، چ ۸، مشهد: آستان قدس رضوی.
۲۲. سادات، محمدعلی، (۱۳۸۸)، راهنمای پدران و مادران، چ ۱۹، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
۲۳. شرف‌الدین، حسین، (۱۳۸۸)، نقش رسانه‌های جمعی در گسترش امر به معروف و نهی از منکر، دوفصلنامه الهیات اجتماعی؛ سال اول، شماره ۱، قم: مؤسسه شیعه‌شناسی.
۲۴. شریعتمداری، علی، (۱۳۶۵)، تعلیم و تربیت اسلامی، تهران: نهضت زنان مسلمان.
۲۵. شریفی، عنایت ا...، (۱۳۸۹)، روش‌های تربیت اخلاقی در نهج‌البلاغه، فصلنامه آفاق دین، سال اول، شماره ۲، تهران: دانشگاه علامه طباطبایی.
۲۶. شریفی، احمدحسین، (۱۳۹۱)، آیین زندگی، اخلاق کاربردی، چ ۱۰۱، قم: معارف.
۲۷. صافی‌گلپایگانی، لطف‌ا...، (۱۳۷۰)، راه اصلاح یا امر به معروف و نهی از منکر، چ ۲، قم: اسلامی.
۲۸. صفوی، امان ا...، (۱۳۸۷)، کلیات روش‌ها و فنون تدریس، چ ۱۴، تهران: معاصر.

۲۹. عابدی میانجی، محمد، (۱۳۹۰)، با قرآن در بهار قرآن، قم: نورالسجاد.
۳۰. عطاران، محمد، (۱۳۷۵)، آراء مریبان بزرگ مسلمان درباره تربیت کودک، چ ۴، تهران: مدرسه.
۳۱. علوی، حمیدرضا و مهناز حاج غلامرضایی، (۱۳۹۱)، روش‌شناسی آموزش ارزش‌های اخلاقی و دینی، دوفصلنامه اسلام و پژوهش‌های تربیتی، سال چهارم، شماره دوم، قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
۳۲. فلاح رفیع، علی، (۱۳۹۱)، روش‌شناسی الگو در انتقال ارزش‌ها، دوفصلنامه اسلام و پژوهش‌های تربیتی، سال چهارم، شماره دوم، قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
۳۳. کارتلیج، میلبرن، جی‌اف، (۱۳۶۹)، آموزش مهارت‌های اجتماعی به کودکان، ترجمه محمدحسین نظری، مشهد: آستان‌قدس رضوی.
۳۴. کلینی، محمدبن یعقوب، (۱۳۴۴)، اصول کافی، تهران: علمیه الاسلامیه.
۳۵. مجلسی، محمدباقر، (۱۴۰۴ق)، بحارالانوار، چ ۴، بیروت: مؤسسه الوفاء.
۳۶. مرکز تحقیقات اسلامی سپاه، (۱۳۷۲)، امر به معروف و نهی از منکر، چ ۲، تهران: بسیج پاسداران.
۳۷. مصباح‌یزدی، محمدتقی، (۱۳۸۷)، اخلاق در قرآن، تحقیق و نگارش محمدحسین اسکندری، چ ۶، قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
۳۸. محمدی ری شهری، منتخب میزان الحکمه، بی‌تا.